

قواعد اسلامی در اخلاق پزشکی

دکتر محمد حسن قدیانی

متخصص بیماریهای داخلی، سازمان پزشکی قانونی کشور

دکتر سید شهاب الدین صدر

متخصص فیزیولوژی، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر حسین فربودمنش*

پزشک عمومی

چکیده

همواره وجود یک سطح حداقلی از آگاهی های فرهنگی به عنوان نیازهای ضروری هر فرد لازم است تا با کمک آن بتوان حقوق ساری بر جامعه را به صورت تمام به افراد واگذار نمود و همین گونه از تمام اعضای جامعه اجرای قوانین حاکم را خواستار شد. اخلاق پزشکی به عنوان یکی از کاربردی ترین و ملموس ترین شاخه های علم اخلاق مورد توجه اخلاقیون می باشد. این شاخه از علم همیشه به صورت بافته ای به هم پیوسته با اصول و قوانین پزشکی بوده است و چون چگونگی تأثیر بیشتر علم پزشک بر بیمار از طریق پیاده نمودن اصول روانی و اخلاقی در این رابطه مورد تحقیق قرار می گیرد، از سوی مجریان آن اصول یعنی پزشکان مورد اقبال همیشگی بوده است. اخلاق پزشکی یک علم اجتماعی است که راه حل هایی برای تضادهای اخلاقی بیان می کند که برخاسته از علم پزشکی است. در این مقاله کوشیده ایم ارتباط این اصول با ریشه های دینی برخاسته از اسلام را بیان کنیم.

واژگان کلیدی: اخلاق پزشکی، اسلام، ایران

مقدمه

به کمال لایق خود رهنمون گردد (۱).
تمامی پیشرفت های علمی و صنعتی در صورتی که با اصلاح درون انسان و تربیت روحی و اخلاقی او همراه نباشند شبیه کاخ های سر به فلک کشیده ای می شوند که بر فراز قله آتشفشان بنا شده باشند (۲). بنابراین تربیت روحی و اخلاقی باید همراه بلکه مقدمه بر آموزش های فکری و پرورش ذهن انجام گرفته و آنها را جهت دار نماید؛ لذا اگر چه به ظاهر رشد استعداد های ذهنی و فکری با اخلاق ارتباط مستقیم ندارد و جزو ملکات اخلاقی نیست اما به عنوان مقدمه ای ضروری در خدمت علم اخلاق و کمال انسانها نقش حیاتی دارد.

علم اخلاق

بنا بر آموزش های مکتب اسلام در انسان دو فرآیند متفاوت و متضاد روانی به نام های فطرت و شهوت فعالیت می کنند که هر دو ذاتی و غیراقتسابی هستند. جریان روانی فطرت دارای اهداف و تمایلات کمال گرایانه است در صورتی که جریان شهوت نماینده

احیای ارزش های اصیل اخلاقی شرط لازم و ضروری برای حاکمیت بخشیدن به اسلام در جامعه است، چرا که اسلام بر دل های آکنده از نور ایمان و معرفت فرد مسلمین تکیه دارد. اسلام به عنوان یک دین کامل و جامع الهی علاوه بر ارایه راه و رسم کامل برای زیست فردی، جهت رسیدن به حقیقت نهایی خود، قواعد حکومتی، قضای، فرهنگ، اقتصاد و ... را نیز مدنظر قرار داده است و به واسطه همین روش های اخلاقی، در کل بصورت قانونی همه جانبه تمام شئون بشری را تحت تأثیر قرار می دهد. اخلاق به عنوان علمی که با انسان، سازندگی روحی و معنوی و تهذیب باطن او در ارتباط است، با علوم تجربی معمول که تنها با ماده و عالم طبیعت سروکار دارند، تفاوت بسزایی می یابد و بعد از خداشناسی تلاش در راه آن از نظر منزلت و ضرورت، ارج و قرب فراوانی همراه خواهد داشت. این رسالت علم اخلاق است که با شناسایی قوا و استعداد های مختلف انسان چگونگی ایجاد تعادل در میان امیال گوناگون را به انسان بنمایاند و او را در جهت نیل

* نویسنده پاسخگو: ضلع جنوبی پارک شهر - خ بهشت - سازمان پزشکی قانونی کشور

پست الکترونیک: hfarbod@gmail.com

دورنکار: ۰۳-۵۵۸۹۰۷۰۲ (۰۲۱)

کسه در حقیقت یکی از مهمترین اهداف رسالت الهی خود را کمال و اعتلای صفات عالی اخلاقی دانسته اند (۴).

پیامبر (ص) همچنین می فرمایند: مسلمان کسی است که دیگران از دست و زبان او در امان باشند؛ بدیهای دیگران را با نیکی مقابله کنید (۲).

خداوند در قرآن کریم در سوره قلم آیه ۴ پیامبر را به سبب اخلاق نیکویش می ستاید: و انک لعلی خلق عظیم

امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده می فرمایند: و هب لی معالی الاخلاق یعنی خدایا پایه های بلند اخلاق را نصیب گردان (۷).

سعدی علیه الرحمه می فرماید:

بنی ادم اعضای یکدیگرند / که در آفرینش ز یک پیکرند
 چو عضوی به درد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند فرار
 تو کز محنت دیگران بی غمی / نشاید که نامت نهند آدمی

اخلاق پزشکی و ضرورت بحث پیرامون آن

اخلاق را می توان به عنوان یک زیر مجموعه از فلسفه عملی که در جستجوی درست ها و نادرست ها و تبیین خوب و بد در یک

مجموعه از رفتارها در یک شرایط مشخص می باشد بیان کرد (۸). در علم اخلاق فصل مخصوصی به نام اخلاق پزشکی باز نشده است. اما با توجه به تفاوت شغل ها و موقعیت اجتماعی مشاغل گوناگون و این که هر صنفی با مسائل خاصی سروکار دارد، می توان اخلاق پزشکی را این گونه تعریف کرد: علمی که موضوع آن بررسی مجموعه آداب و رفتار پسندیده یا ناپسندی است که صاحبان مشاغل پزشکی باید رعایت نمایند (۵). اخلاق پزشکی یک علم شبه اجتماعی است که راه حل هایی برای تضادهای اخلاقی میان می کند که برخاسته از علم پزشکی است (۸).

همان طور که علم اخلاق از جهان بینی نامشروع است، اخلاق پزشکی را هم نمی توان از جهان بینی و ایدئولوژی بیگانه دانست. لذا اگر چه تقریباً همه اقوام از دیرباز به اخلاق پزشکی معتقد بوده اند ولی هر کدام منشأ ضرورت آن را به نحو خاصی توجیه می نمایند (۵). کلیه فرایندهای روانی انسان را در سه فرایند اصلی شناخت، عواطف و رفتار خلاصه می کنند. به نظر می رسد می توان اخلاق پزشکی را نیز براساس سه فرایند فوق تأمین نمود. در آموزش های اسلامی درباره اخلاق و اخلاق پزشکی بیشترین کار برای اصلاح شناخته شده است. از همین رو امر پزشکی در کلیه سطوح آن یک خدمت انسانی است و با توجه به نوع کار و موقعیت بیمار عبادت و مراقبت نفس است (۹).

تاریخچه اخلاق پزشکی

حرفه پزشکی از زمانهای قدیم توأم با نوعی دستورهای اخلاقی و مقررات شغلی بوده است؛ به طور مثال دستورهای اخلاقی در مورد پزشکان دو کشور هند و مصر قدیم رعایت می شده است (۵). در تمدن یونان، موضوع اخلاق پزشکی از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده

انگیزه های لذت جویانه می باشد. سازمان شخصیتی فرد برحسب اینکه کدام یک از جریان های روانی فوق غالب و کدام یک مغلوب گردد، شکل می گیرد و بنابر آموزش های اسلامی برای دستیابی به حاکمیت اخلاق همواره یک جنگ تمام عیار بین دو جریان فوق وجود دارد. حضرت علی (ع) ضمن تأکید بر این که سازمان اخلاقی انسانی از دو جزء ترکیبی مذکور ساخته شده است معتقد است اگر انسان بتواند عقل فطری خود را بر جریان شهوت حاکمیت بخشد از فرشتگان برتر است (۳). پیامبر اکرم (ص) معتقد است که همواره یک کشمکش دائمی بین دو جریان فطرت و شهوت برقرار است و این کشمکش را به یک جنگ حقیقی تعبیر می نماید و اضافه می فرماید که جنگ بین این دو جریان حتی از جنگ بین دو گروه دشمن نیز شدیدتر است. فطرت به وضع خود آگاهی دارد و به صورت کاملاً آگاهانه عمل می کند. این صفت بارز را می توان از آیات ۱۴ و ۱۵ سوره قیامت استنباط نمود که چنین آمده است: «بل الانسان علی نفسه بصیره و لوالقی معاذیره» یعنی «انسان بر نفس خویش دارای بصیرت است». علامه طباطبایی بصیرت را به معنای رویت قلبی و ادراک باطنی ذکر کرده است و تفسیر زیر را نقل می نماید: «انسان خود می داند چه کرده است هر چند عذر و بهانه بیاورد» (۴).

بنا بر تعریف اخلاق عبارت است از: «الهامات وجدانی که از نیرویی غیر از عقل و عاطفه است. نیرویی است که از درون به انسان تکلیف می کند و باید و نیایدها را تعیین می نماید» (۵). بنابراین کار اخلاقی کاری است که از وجدان الهام گرفته باشد. به قول کانت فعل اخلاقی، فعلی است که انسان آن را به عنوان یک تکلیف از وجدان خودش گرفته باشد. (۵). اصولاً بشر مکلف به دنیا آمده و تکلیفش در درونش است. قرآن کریم به این ودایع الهی در زاد بشر اشاره داشته است: مثلاً در سوره شمس خداوند متعال می فرماید:

«فالیهمها فجورها و تقویها» «خداوند به انسان زشتی ها و تقوایش را الهام نموده است». یا در جای دیگر می فرماید: «و اوحینا الیهم فعل الخیرات» «ما کار نیک را به آنها وحی نمودیم» (۶).

اخلاق به صفات، افعال و ملکات زشت و زیبا اطلاق می گردد که در این صورت با بسوند زشت و زیبا یا فضیلت و رذیلت همراهِ است اما گاهی صرفاً در مورد اخلاق و صفات نیک به کار می رود مثلاً گفته می شود فلان کار اخلاقی (ممدوح) یا غیر اخلاقی (مذموم) است. تفاوت کارهای اخلاقی با امور عادی نظیر غذا خوردن این است که قابل ستایش و تحسین اند (۵).

در صورت حاکمیت فطرت، بصیرت و آگاهی حفظ می شود و روز به روز تقویت و گسترش می یابد و با حاکمیت هوای نفس خود آگاهی فرد دچار اختلال می شود و کیفیتی که خداوند از آن به کوری دل تعبیر می نماید به وجود می آید. در آیه ۱۹۸ سوره اعراف آمده است: «و تراهم بنظرون الیک و هم لایبصرون» «و تو می بینی که آنها (بت پرستان) در تو می نگرند و حق را نمی بینند». همچنین در آیه ۴۶ سوره حج آمده است: «این کافران را چشم سر گرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده های دل کور است».

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»

همچا فقیه عالم ورع، امیر خیر مطاع و طبیب بصیر ثقه».

در یک بررسی دانشگاهی که با استفاده از متون علمی و تاریخی به عمل آمده است ذکر می شود که بسیاری از تاریخدانان ادعا می کنند که دنیای غرب به عنوان پیش گام در امر اخلاق، حقوق و استانداردهای حرفه ای است و علم اخلاق به تمامی از ابداعات اخلاقیون امریکا می باشد و تمامی این اصول در اوایل قرن بیستم پایه گذاری شده است در حالی که به وضوح بیان می شود که در تاریخ طلایی اسلام اخلاق پزشکی بنیانگذاری شده است و در بین سالهای ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ بعد از میلاد بسیاری از حقوق بیمار که اکنون مورد تأکید می باشد در کشورهای اسلامی مورد استفاده بوده است (۱۲). از چهره های شاخص اخلاق پزشکی در اسلام محمد زکریای رازی، یکی از بزرگترین پزشکان جهان اسلام، کتابی به نام الطب الروحانی دارد که در آن به بیان اصول علم اخلاق پرداخته است؛ و ابوعلی سینا، پزشک و فیلسوف نامدار مشرق زمین، کتابی به نام فی علم الاخلاق دارد. حتی محققان رساله ای را به رازی نسبت می دهند که آن را برای یکی از شاگردان خود که به سمت صییب مخصوص یکی از امرا معین شده بود نوشته است و او را به رعایت اصول اخلاقی مخصوص به طبیب توصیه نموده است (۵).

اخلاق پزشکی در اسلام

پزشک ضمن انجام اعمال پزشکی خود عملا به کارهایی دست می زند که در مورد هر یک، آموزش های گسترده ای در مکتب اسلام وجود دارد از جمله: عیادت بیمار، کوشش در انجام امور مسلمانان، خوشحال نمودن بیماران و خانواده آنان، رفع مشکلات مردم و ایجاد اسایش برای آنان. گرمی داشتن مردم، تسخیر و رهنمایی، تحمل رنج در راه انجام وظیفه و خدمت به مردم و شکرگزاری نعمت های خداوند.

در آموزش های اسلامی، عیادت بیمار دارای ارزش و موقعیت ویژه ای است. در کتاب های فقه اسلامی فصل های اختصاصی در مورد مستحب بودن عیادت بیماران و مکروه بودن ترک عیادت جلب توجه می نماید. امام صادق (ع) می فرماید: «هرکس بیماری از مسلمانان را عیادت کند خداوند هفتاد هزار فرشته را و او می دارد که او را احاطه نمایند و تا روز قیامت تهلیل (کلمه لا اله الا الله) و تکبیر گویند و نصف ثواب درود آنها برای عیادت کننده بیمار است» (۳). ایشان در جای دیگر اضافه می کنند که «هر کس بیماری را عیادت نماید تا موقعی که به منزلش برگردد هفتاد هزار فرشته برای او طلب مغفرت می کنند» (۳). امام باقر (ع) می فرماید: «از مواردی که موسی (ع) با خداوند مناجات کرد این بود: خدایا به کسی که بیماری را عیادت نماید چه پاداشی می رسد. خدای عز و جل فرمود من فرشته ای می گمارم که در قبر تا روز قیامت از او عیادت نماید» (۳). امیرالمومنین علی (ع) در ضمن بحثی می فرماید: «من برای شش گروه بهشت را ضمانت می نمایم که از آن جمله فردی را که برای عیادت از بیماری از منزلش خارج شود و به علتی فوت نماید» (۳).

است. بنا به عقیده بقراط، رفتار گرم و انسانی پایه اصلی است. اصولاً بزرگترین سهم بقراط در زمینه پزشکی اعتقاد و ایمان به اصول اخلاقی بوده که در سوگند نامه معروف وی متجلی است (۵). در مجموعه قوانین حمورانی، که دو هزار و دویست سال قبل از میلاد مسیح تنظیم گردیده است، مقرراتی درباره پزشکی دیده می شود. این قطعه سنگ که در ناحیه شوش در اوایل قرن نوزدهم کشف شده است امروزه در موزه لوور پاریس نگهداری می شود (۵).

در ایران هم، با توجه به محتویات وندیداد (فرهنگنامه باور مغان ماد که با افزودن و کاستن مطالبی، به آن رنگ زرتشتی داده شده است) و قسمت هفتم زند اوستا، که قوانین زیادی راجع به طبیب و طبابت را شامل است، چنین بر می آید که در موقعی که سایر ممالک فاقد تشکیلات و نظامات راجع به اطبا بودند، در ایران قوانین مختلفی درباره بهداشت و حقوق اصبا و بیطارها (دامپزشکان) و درباره طبابت و جراحی و بیطاری وجود داشته است (۵).

نگرش های اخلاقی متفاوتی به تاریخ فلسفه وجود دارد. دو نفر از فیلسوفان امریکایی به نامهای بوشامب و چایلدرس تعدادی از قواعد اخلاقی را به صورت بدون در آورده اند: احترام به اختیار، علامت نیکو و احسان و عدم اضرار. این چهار قاعده هم اینک به عنوان هدایت کننده های اخلاقی جوامع انسانی به کار می روند و به عنوان موضوعاتی هستند که بیشترین بحث ها را در بر گرفته اند. مطالعه ای که در کشور ترکیه انجام شده است به روشنی این مهم را بیان می کند که این قواعد ریشه در تمدن اسلامی دارد و نشان می دهد که اینها مطالب نویسی نبوده اند و به عنوان یکی از اصول قدیمی اخلاق در فرهنگ و تمدن اسلامی محسوب می شوند (۸). در بررسی مشابهی همین موضوع مورد اشاره قرار گرفته است. نویسنده مقاله ذکر می کند: اخلاق پزشکی عرب هم اینک بر تمامی پزشکان از همه اقوام و مذاهب و نژادها شناخته شده است و استانداردهای آن بر تمامی درمانها احاطه دارد. از طرفی اخلاق پزشکی که مؤثر بر هر پزشک می باشد خود متأثر از پیش زمینه های مذهبی و فرهنگی فرد است و همین موجب کوناکونی های موجود است. اخلاق پزشکی در ادیان مسیحیت و یهود در نوشته های بسیاری مورد بحث قرار گرفته است. بر مبنای مطالعه ای که وی انجام داده است، بسیاری از موضوعات اخلاق مانند تغییر جنسیت، کنترل جمعیت، سقط، انبساط پزشک و بیمار در احادیث و روایات و فتاوی دینی اسلام از قرن ها پیش موجود بوده است (۱۰). این موضوع در مطالعه ای در دانشگاه اکلوهاما هم مورد تأکید قرار گرفته است (۱۱).

در تمدن اسلامی، اخلاق پزشکی، تحت تعالیم عالیه دین مبین اسلام، از تلاقی و درخشان بیشتری برخوردار گردیده است، زیرا که آیین مقدس اسلام به دین و حرفه پزشکی بسیار بها داده است به طسوری که دانش پزشکی را معادل و همپراز دانش دینی قرار داده: «العلم علمان علم الابدان و علم الادیان» و حرفه پزشکی را هم یکی از سه نیاز اساسی جوامع بشری به حساب آورده است. روایت است از حضرت امام جعفر صادق (ع) که می فرماید: «لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثه بفتح الهم فیه امر دنیاهم و آخرتهم فان عدموا ذلک کانوا

اعتقاد به تقدیر الهی، نقش اراده انسان نادیده گرفته نمی شود و انسان در مقابل رفتارهای ارادی خود کاملاً مسؤول است. این برداشت در امور پزشکی و دخالت در درمان و به طور کلی روابط پزشک و بیمار جلب توجه می نماید و به منظور بهبود بیماری و جلوگیری از تشدید بیماری یا فوت بیمار مسؤول و ضامن هستند. حضرت علی (ع) همچنین بر ضامن بودن پزشک به طور کلی تأکید می نماید و دستور می دهد که به منظور از بین رفتن ضمانت قبلاً برانت از ضمانت دریافت گردد (۳). انسان در مقابل زبانی که به هر نوع به مردم وادار نماید مسؤول و ضامن است و باید رضایت آنها را جلب نماید. تمامی این دستورات در خدمات پزشکی موقعیت ویژه خود را دارند و باید دقیقاً مورد توجه و کاربرد قرار گیرند تا به خواست خدا حداکثر بازده از زحمات انجام شده، به دست آید.

طب و اخلاق پزشکی

از ضروریات علم پزشکی، آشنایی به مسایل معنوی و روحانی و سعی در تزکیه و تعالی این بعد روحانی در خود و دیگران است. اسلام به معالجه روح و روانشناسی بیمار اهتمام زیادی دارد و سعی در معالجه جسم بیمار را در مرتبه دوم قرار داده است (۱۳).

اهمیت ایجاد ارتباط روحانی بین بیمار و خداوند متعال از وظایف اصلی پزشک است و او باید قبل از هر چیز تلاش و سعی خود را در تقویت روحیه بیمار نموده، در او اعتماد به نفس و امید به زندگی را با تذکر به اینکه تنها شفا دهنده او خداوند است ایجاد نماید. مسؤولیت های پزشک بسیار زیاد و همه جانبه است. از جمله آنها مسؤولیت وی در برابر خداوند، استاد و موضوع تعلیم و تعلم، خویشن خویش (وجدان)، بیمار و جامعه است.

وظایف و مسؤولیت های پزشک در مقابل خداوند: پزشکی

از نظر اسلام وظیفه ای شرعی و واجب کفایی است و با عمل بعضی از مردم به آن تکلیف از بقیه مردم ساقط می گردد (۵). از حضرت مسیح (ع) نقل است که می فرمود: «کسی که معالجه بیمار و مجروحی را ترک کند، بدون شک شریک جرم ضارب آن فرد است. زیرا او نقص و یا نابودی مجروح را می خواسته و رها کننده بیمار نیز بهبودی او را نخواسته پس به ناچار در حکم ضارب است» (۱۴). اولین خصوصیت هر شغل آن است که صاحبش مخیر است بر عمل به آن شغل و جلب منافع و یا ترک آن و از دست دادن آن منافع. در صورتی که طبابت رسالتی الهی و مسؤولیتی شرعی، اخلاقی، انسانی و وظیفه ای اسلامی است که پزشک پس از سالها ممارست علمی و تهذیب و تقوای نفس با تمام توان و امکانات به آن اقدام می نماید و حق تغلل و سستی در انجام رسالتش، به علل مختلف مادی و ندارد و ترک این رسالت الهی خود جرمی مسلم است.

پزشک چه در مقام تعلم و کسب علم و چه در کرسی استادی و تعلیم باید کرامت و شرافت مقام علم را رعایت نموده، قبل از هر چیز تزکیه و تهذیب نفس را در نظر گرفته و آموزش و آموختن وی و علم به آن برای رضای خدا باشد (۱۵).

پاداش خدمت به بیمار در آموزه های اسلامی به صورت گسترده ای مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «هرکس نیازی از نیازهای دنیوی بیماری را برآورد و برای برآوردن نیازهای او آمد و شد نماید تا خداوند حاجت او را برآورد، خداوند برانت از نفاق و اتش به او عنایت فرماید و هفتاد نیاز از نیازهای دنیوی او را برآورد و همواره در رحمت خدا غوطه ور خواهد بود» (۳).

پزشک از طریق درمان بیمار موجب خوشحالی او و بستگانش را فراهم می آورد. نقل است از امام حسین (ع) که می فرماید: «قال رسول الله (ص): احب الاعمال الی الله سرور تدخله علی مومن تطرد عنه» (۳). امام جعفر صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که: «من سر مومنا فقد سرنی و من سرنی فقد سر الله عزوجل» (۳).

در ضمن خدمات پزشکی، گرمای داشتن مومن به بهترین وجه انجام می پذیرد و در نتیجه پزشکان بایستی همواره پاداشی که خداوند متعال به خدمات آنها می دهد را در نظر داشته باشند. امام صادق (ع) در مورد نقش اساسی گرمای داشتن مسلمان می فرماید: «هرگاه کسی برادر مؤمنش بر او درآید و وی او را گرمی دارد، خدا را گرمی داشته است» (۳). باید در نظر داشت در مقابل گرمای داشتن، توهین به مردم و خوار داشتن آنهاست که در صورت کم کاری و عدم انجام تکالیف آنچنان که باید، می توان چنین برداشتی را از رفتار شخص استنباط نمود. پیامبر (ص) می فرماید: «خدای عز و جل می فرماید هر کسی یکی از دوستان مرا اهانت نماید برای مجازیه با من آماده شده است» (۳).

پیشوایان اسلام با آگاهی کامل از نقاط ضعف افراد جامعه که ممکن است گاهی موجب کم کاری و اهمال در انجام وظیفه گردد، براساس واقعیت های جهان هستی و آموزش های الهی که در قرآن مجید مطرح شده اند، هشدار می دهند که انسان بایستی شکر نعماتی که خداوند بر او ارزانی داشته است، به جا آورد تا موجب گسترش آنها گردد. امام صادق (ع) در این زمینه برآوردن نیازهای دیگران را یکی از نموده های شکر معرفی می فرماید (۳). همچنین از آن امام نقل است که می فرماید: «هرگاه کسی که نعمتی به او داده شده به برآوردن نیازهای مردم قیام ننماید، نعمت را در معرض زوال قرار داده است.» در حقیقت انجام وظیفه و تحمل رنج برای خدمت به جامعه علامت رشد می باشد و بر همین اساس در آموزه های اسلامی آمده است که بایستی افرادی که نعمت تعالی یافته اند، پس از تکامل در برآوردن نیازهای مردم اقدام کنند.

آموزش های اسلامی که به منظور ایجاد آرامش و رشد در جامعه و جلوگیری از اختلال در روابط بین فردی وضع شده اند براساس اصل پاداش و مجازات استوار هستند و نسبت به تخلف از انجام وظیفه در این موارد هشدار می دهد. امام باقر (ع) می فرماید: «هر مسلمانی که مسلمان دیگر به منظور دیدار او و یا درخواست نیازی به نزد او آید و او در منزل خویش باشد و اجازه خواهد و او اجازه ندهد همواره در لعنت خدای عزوجل خواهد بود». امام رضا (ع) می فرماید: «هر کس یکی از برادرانش برای انجام کاری به او پناه آورد و او وی را پناه ندهد از ولایت خداوند خارج شده است» (۳). در آموزش های اسلامی علیرغم

عهده گیرد (۱۶).

اهم وظایف پزشک نسبت به بیمار عبارت است از مدارا و خوشرفتاری با او، اهتمام جدی نسبت به امور بیمار، عدم تمایز بین فقیر و غنی، تمایز بین طبابت و تجارت، توجه به بیمار و جلب اعتماد او، ارتقاء توان علمی و کسب مهارت، رعایت امانت، رعایت تقوی و چشم پوشی از محارم، دقت در اوامر و نواهی به بیمار در حدود احکام الهی، رازداری، توصیه به پیشگیری از بیماریها (۵).

*** پزشک و مسؤولیت های اجتماعی:** پزشک از نظر حقوقی در برابر جامعه و حکومت مسؤول است، از جمله تأکید احادیث در رابطه با ممانعت و جلوگیری از مبادرت ورزیدن به امور پزشکی توسط کسانی که اطلاعات کافی ندارند. پزشک علاوه بر اجر و پاداش اخروی و ثوابی که در مقابل این رسالت الهی دارد باید از حقوق مکفی برخوردار باشد تا در زندگی خود بر دیگران تحمیل نگردد. البته افراط در مسایل اقتصادی پزشک باعث تجاری شدن طبابت می شود و آنرا از عواطف انسانی و مسؤولیت شرعی تهی نموده و وسیله ای برای مال اندوزی و تکاثر می گردد.

در نهایت با جمله ای از امام خمینی (ره) این بخش را به پایان می بریم که چه نیک به این حرفه می نگرستند و فرمودند:

«شما متوجه باشید که این شغل را خدای نخواستہ اوده نکنید به جهات مادی، به جهات دنیایی که هم کار کرده باشید و هم اجر الهی نبرده باشید. شما کاری کنید که این شغل شما الهی باشد، برای خدا باشد. منافات ندارد اینکه برای خدا باشد لکن به شما هم مثلا اجری بدهند. اینها منافات با هم ندارند».

اصولی که پزشک باید بعد از خلوص و ترکیه نفس به آن پایبند باشد عبارتند از: قبل از تعلیم و تربیت دیگران لازم است به خودسازی بپردازد و سعی در ارتقای علمی خود نماید. به آموزش عملی بیشتر از بیان و گفتار اهمیت دهد. در مقابل خداوند باید ضعف توان علمی خود را در نظر داشته و خاضع باشد. رعایت نظم و انضباط را بکند. در تعلیم چون پدیری مهربان و دلسوز باشد. اصل تدریج و تکرار در تعلیم و تعلم را رعایت کند. با فن بیان آشنایی داشته باشد. شجاعت در پذیرش اشکالات وارده و منطقی داشته باشد. تشویق هر چه بیشتر به تعلیم و تعلم و اسوه بودن کند. عدل و انصاف را در برخوردها رعایت نماید. تقوی و پرهیزگاری را رعایت کند. از مصاحبه با افراد بدنام و بدکار دوری جوید.

*** پزشک و مسؤولیت خودسازی:** پزشک باید متصف به صفات انسانی اسلامی بوده و روح و جان خود را از جهات ظاهری و باطنی به این صفات متعالی زینت بخشد. اهمیت خیرخواهی برای پزشک در حدی است که هرگونه حيله و تزویر و سستی و یا بی توجهی و تعلل در حکم جنایت به نفس محترمه محسوب می گردد. خیرخواه واقعی کسی است که خیانت نکند، خودخواه نباشد و بی توجه به غم دیگران نباشد.

*** پزشک و بیمار:** پس از خداوند متعال طبیب تنها مأمّن و پناهگاه بیمار است، در حالیکه اغلب هیچ یک از نزدیکانش حتی والدین او نمی توانند چاره ای برایش بیاندیشند. امید بیمار به پزشک است و زندگی و حیات خود را وابسته به عمل او می داند و این پزشک است که باید تمام آلام و دردهای بیمار را پذیرا گشته و مسؤولیت نجات و تسکین دردهای روحی و جسمی اش را با توجه و محبت بسیار به

مراجع

- 1- سادات محمد علی. اخلاق اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.
- 2- سادات محمد علی. اخلاق اسلامی، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۰.
- 3- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۲، ۱۱.
- 4- علامه طباطبایی. تفسیر المیزان، ترجمه فارسی آقای موسوی، ج ۳۹.
- 5- اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، چاپ اول، معاونت فرهنگی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، ۱۳۷۰.
- 6- قرآن کریم، سوره انبیاء، آیه ۷۳.
- 7- صحیفه سجادیه، دعای مکارم الاخلاق.
- 8- Aksoy S, Elmaj A. The core concepts of the 'four principles' of bioethics as found in Islamic tradition. Med Law 2002; 21(2): 211-24.
- 9- حسینی سید ابوالقاسم. نقش آموزشهای اسلامی در تأمین اخلاق پزشکی از طریق اصلاح شناخت، عواطف و رفتار، سمینار دیدگاههای اسلام در پزشکی.
- 10- Rispler Chaim V. Islamic medical ethics in the 20th century. J Med Ethics 1989 Dec; 15(4): 203-8.
- 11- Nanji AA. Medical ethics and the Islamic tradition. J Med Philos 1988 Aug; 13(3): 257-75.
- 12- Ajlouni KM. Values, qualifications, ethics and legal standards in Arabic (Islamic) medicine. Saudi Med J 2003 Aug; 24(8): 820-6.
- 13- اصفهانی محمد مهدی. اخلاق حرفه ای در خدمات بهداشتی و درمانی. دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۲.
- 14- بحارالانوار جلد ۸ ص ۳۳۳.
- 15- مرتضی مطهری. فلسفه اخلاق، چاپ سیزدهم.
- 16- Mason JK, McCall Smith & Laurie GT. Law and Medical Ethics, Sixth edition. UK: Butterworth (Lexis Nexis) 2002; pp 5-10.